

عنوان مقاله:

یک دیو ناشناخته در ادبیات پهلوی، و همورد اهورایی آن

محل انتشار:

دوفصلنامه زبان شناخت، دوره 9، شماره 17 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسنده:

محسن نظری فارسانی - دانشجوی دکتری رشته زبانهای باستانی دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

چکیده املای و خدغجه عنوان نام یک دیو در بندی از کتاب هشتم دینکرد آمده است. این واژه در رساله گزیده های زادسپرم نیز در هنگام بیان یک صحنه آخرالزمانی ذکر شده است. در هر دو بار کاربرد آن، ایزد «اهلشونگ» همورد این دیو ناشناخته است. در متون اوستایی و پهلوی دیوی به عنوان همورد این ایزدبانو یافت نشد. از این رو، این احتمال به یقین نزدیک تر شد که نام این ایزدبانو به اشتباه در این دو بند ذکر شده است. اکنون با یک معادله دومی روبرو هستیم؛ نه نام دیو معلوم است و نه نام ایزد ستیزگر با آن را می دانیم. تنها سرخ این است که در آن صحنه آخرالزمانی از یک آتش یا آتش پیکر سخن به میان آمده است. با تعیین هویت آتش پیکر، و آنچه از او و دشمنش در آغاز آفرینش صادر شد، مطلب اندکی از ابهام مطلق بیرون آمد. با بررسی چند بند از متن های مختلف سرانجام به این نتیجه رسیدیم که نام این دیو صورت منفی نام همورد اهورایی آن است. اشتباه در قرائت یک واژه، و جایگزینی مترادف آن قرائت به جای واژه اصلی موجب این ابهام و تناقض شده بود.

کلمات کلیدی:

کلیدواژه ها: دیو، ایزد، خرد، بدعت، اشی، اشه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1512169>

